

Investigating the background of the formation of Salafi-Takfiri intellectual currents and its contradictions with the Iranian-Islamic lifestyle of the border areas

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Mohammad Rasul Sheikhezadeh
Masoud Akhavan Kazemi *
Omid Ghaderzadeh

How to cite this article

Mohammad Rasul Sheikhezadeh, Masoud Akhavan Kazemi, Omid Ghaderzadeh, Investigating the background of the formation of Salafi-Takfiri intellectual currents and its contradictions with the Iranian-Islamic lifestyle of the border areas, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022;6(3):733-741.

1. PhD student, Department of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Research Science Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Political Science, Razi University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author).
3. Associate Professor, Department of Political Sociology, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: Mak392@yahoo.com

Article History

Received: 2022/10/04

Accepted: 2022/12/05

ABSTRACT

The Salafist movement, by misplaced reliance on the moral thought of the Ummah in the Islamic world, has somehow redefined and reconstructed the concept of the Ummah and given it a new shape according to its political goals. Also, this current has formed in the lands very close to the borders of Iran. In Iran, the Kurdish areas adjacent to the country's borders are prone to Takfiri Salafism in various ways. The majority of the residents of these areas are elderly and economically, the general population is poor. Intellectual and cultural problems, and sometimes moral problems, the government's weak control over these areas and many other problems also exist in addition to the mentioned problems. In the current research, which is an applied-developmental research in terms of its purpose, in the stage of data collection, the method of library and documents, as well as the descriptive mixed method (questionnaire, interview and observation), means a combination of two sets of quantitative research methods and Qualitatively used. The final analyzes of the research are presented based on field information and the approach of preserving national interests in relation to the phenomena of extremism, violence and terrorism, which are common moral vices in societies. The findings of the research show that, in general, the Sunni areas located in the eastern and western margins of the country, due to their relationship with neighboring people in neighboring countries, severe economic poverty, and their susceptibility to takfiri moral ideas, are suitable grounds for accepting Salafi tendencies. In the meantime, in particular, the geography of the Kurdish regions has been effective in the development and trend towards Salafi-Takfiri. Also, external factors, national factors, and finally, individual factors are involved in the expansion of the Salafi-Takfiri movement in Kurdish regions.

Keywords: Kurdistan, Iran, Takfiri Salafism, Ummah, international factors.

بررسی زمینه شکل گیری جریان های فکری رویکردهای سلفی-تکفیری و تناقضات آن با سبک زندگی ایرانی اسلامی مناطق مرزنشین

محمدرسول شیخی زاده

دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مسعود اخوان کاظمی*

دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
(نویسنده مسئول)

امید قادرزاده

دانشیار، گروه جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.

چکیده

جریان سلفی با اتکالی نابجا به اندیشه‌ی اخلاقی امت در جهان اسلام، به نوعی مفهوم امت را بازتعریف و بازسازی کرده و طبق اهداف سیاسی خود، شکل جدیدی به آن بخشیده است. همچنین، این جریان در سرزمین‌های بسیار نزدیک به مرزهای ایران شکل گرفته است. در ایران نیز، مناطق کردنشین همجوار با مرزهای کشور، از جهات مختلف مستعد گرایش به سلفیسم تکفیری‌اند. اکثریت ساکنان این مناطق سنی هستند و از نظر اقتصادی، عموم مردم فقیرند. مشکلات فکری و فرهنگی، و گاهی مشکلات اخلاقی، کنترل ضعیف دولت بر این مناطق و بسیاری از معضلات دیگر نیز در کنار مسائل و مشکلات مذکور وجود دارند. در تحقیق حاضر که از لحاظ هدف، یک تحقیق کاربردی-توسعه‌ای است، در مرحله گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین از روش آمیخته تشریحی (پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده) یعنی ترکیبی از دو مجموعه روش‌های تحقیق کمی و کیفی استفاده شده است. تحلیل‌های نهایی پژوهش بر مبنای اطلاعات میدانی و رویکرد حفظ منافع ملی در ارتباط با پدیده‌های افراط‌گرایی، خشونت‌گرایی و تروریسم که از رذایل اخلاقی شایع در جوامع است ارائه شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که به طور کلی، مناطق سنی‌نشین که در حاشیه شرقی و غربی کشور قرار دارند، با توجه به ارتباط آنها با مردم همجوار در کشورهای همسایه، فقر اقتصادی شدید، و تاثیرپذیری آنها از اندیشه‌های اخلاقی تکفیری، زمینه‌های مناسبی برای پذیرش گرایش‌های سلفی دارند. در این میان، بطور خاص، جغرافیای مناطق کردنشین در تکوین و گرایش به سلفی-تکفیری موثر بوده است. همچنین، عوامل خارجی، عوامل ملی و نهایتاً، عوامل فردی در گسترش جریان سلفی-تکفیری در مناطق کردنشین دخیل هستند.

واژگان کلیدی: کردستان، ایران، سلفیسم تکفیری، امت، عوامل بین المللی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

*نویسنده مسئول: Mak392@yahoo.com

مقدمه

سلفیسم که خویش را به‌عنوان نماینده خود خوانده مسلمانان کنش‌های خود مشروع انگاشته را به شکل عملیاتی بر جهان بین‌الملل ارائه می‌نماید در نخستین آنات حضور خشن خود درجات شدیدی از اسلام هراسی را نزد افکار جهانیان تولید می‌کند. در حقیقت حضوری این چنین به نام اسلام در نهایت جز تولید دیدگاه‌هایی افراطی در برابر مسلمانان و مخدوش ساختن تلاش‌های فکری و عملی و حتی برعکس نشان دادن فضیلت‌های اخلاقی اسلام‌گرایان طی سده اخیر نتیجه‌ای نخواهد داشت.

سلفیسم، اصطلاحی است که طی نیم قرن اخیر، عمیقاً سیاسی شده است. سیاسی شدن یک مفهوم، به همراه گسترش دامنه آن و نیز مسلح و فعال شدن هواداران آن، موجی از نگرانی را پدید آورده است. آنچه موجب شده تا در سده اخیر این مفهوم اهمیتی ویژه داشته باشد، جریان‌های نوظهور است که مصداقی از معنای تاریخی سلفیه بوده یا دستکم خود را مصداقی از آن می‌دانسته‌اند. بازگشت سلفیه در پیشینه تاریخی‌اش، به اصطلاح «سلف» است که در تعابیر عالمان اصحاب حدیث در سده‌های مقدم رایج شده بود. اینان با استناد به احادیثی چون حدیث "ما قضی به الصالحون" از زبان پیامبر، اقوال "سلف" را در صورت نبود حکمی از کتاب و سنت، مرجع نهایی می‌شمردند. به ویژه از سده هشتم قمری، اصطلاح سلفیه به عنوان مذهب سلف در تقابل با مذاهب شناخته شده در جهان اسلام، اعم از مذاهب کلامی و مذاهب فقهی شکل گرفت [۱]

حمله آمریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳، زمینه مساعدی برای رشد و تکثیر گروه‌های افراطی و تروریستی در منطقه خاورمیانه به وجود آورد. اگر چه فعالیت آنها در آغاز محدود به عراق بود، اما قرائت‌های نادرست از دین، و حمایت برخی کشورهای منطقه و بازیگران بین‌المللی باعث ایجاد فضای جدیدی برای افراط‌گرایان شد. نقطه اوج این تحولات به وقایع سوریه مربوط می‌شود که موجب شد گروه‌های افراطی و تروریستی با حمایت کشورها و بازیگران خارجی، فضا و قلمرو فعالیت خود را گسترش دهند. این درحالی بود که برداشت‌ها و تلقی‌های افراط‌گرایانه از دین اسلام باعث شد که آنها با نگرشی سلفی‌گرایانه در پی احیای خلافت برآیند [۲] در سوریه معترضان خواهان پایان دادن به حاکمیت استبداد بودند. برخورد نظام با اعتراضات اما بسیار خشن بود. بیش از دویست هزار نفر در این اعتراضات جان خود را از دست دادند. دامنه اعتراضات گسترده‌تر شد، اما جدالی خونین میان دسته‌های معارضان در گرفت. بی‌گمان ورود جماعت‌ها (ابتدا النصره و بعد داعش) در تبدیل رویکرد جنبش انقلابی از حالت مسالمت آمیز به جدالی پراشوب تأثیری بنیادین داشت و این باعث شد پای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به درون سوریه کشانده شود و در نهایت این رویارویی به یک جنگ نیابتی تبدیل شد.

پدیده‌ی که امروز در مناطق سنی‌نشین شرق کردستان به نام جریان سلفی رواج یافته است، موج جدیدی از تهدیدات امنیتی، ملی-فرهنگی

پراکنده‌ای از کردها زندگی می‌کنند. منطقه مکران (جنوب استان آذربایجان غربی)، اردلان (سنندج، کامیاران، دهگلان، دیوان دره و بخشهایی از سقز)، هورامان (مریوان و پاوه)، کرمانشاه و نواحی غربی این استان به همراه ایوان و ایلام در استان ایلام، میان (دینور، اسدآباد، کنگاور، صحنه و بیستون)، گوران (بیجار، قروه و سنقر) لکستان (نواحی شرقی استان ایلام، نواحی شمالی لرستان، برخی مناطق همدان به همراه شهرستان هرسین) از مناطق اصلی کردستان ایران محسوب می‌شوند. بانه و بخش غربی سقز جزء بایان هستند و حلبچه در عراق جزء اورامان (هورامان)، همچنین در نواحی غربی استان آذربایجان غربی کردهای کرمانج شکاک و در شمال جلالی‌ها مستقر هستند. کردها به دیگر نقاط ایران نیز مهاجرت کرده‌اند که کردهای خراسان و بلوچستان از این قبیل می‌باشند. کردهای خراسان را شاه عباس به خراسان کوچاند و در شمال آن سرزمین، در نواحی ایبورد و دره گز و باخرز تا حدود مرو مسکن داد؛ تا در برابر ازبکان و ترکمانان مهاجم، سدی مستحکم باشند [۳]

ب) رویکرد رذیلت اخلاقی سلفی‌گری تکفیری

تکفیر به عنوان رایج‌ترین و کلیدی‌ترین مفاهیم مورد استفاده گروه‌های سلفی است. از دیدگاه آنها تمام مسیحیان، یهودیان و کمونیست‌ها در دایره کفار قرار می‌گیرند و بخش اعظم اهل سنت جهان اسلام که عقاید آنان را نمی‌پذیرند، منافق محسوب می‌شوند. شیعیان نیز گاه منافق و گاه مشرک دانسته شده‌اند و به همین منوال، سایر مذاهب و فرقه‌ها، همچون علوی‌ها و دروزی‌ها و غیره [۴] منظور از سلفیسم تکفیری در این پژوهش، جریانی است که با نام دین و نگاه به گذشته برای احیای هویت اسلامی از تکفیر و به تبع آن، از خشونت و ترور به عنوان ابزار پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند. تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مورد گروه‌های سلفی-تکفیری و زمینه‌های شکل‌گیری آنها در خاورمیانه صورت گرفته که نشانه‌ای از اهمیت زیاد این موضوع است. علاوه بر این، عامل دیگری که سبب شده حجم و تعداد پژوهش‌ها در این زمینه فزونی یابد، ابعاد گسترده موضوع و پیچیدگی‌های شکل‌گیری آنها در مقطع کنونی است.

ج) اخلاق سلفی‌گری تبلیغی

سلفی‌گری تبلیغی بیشتر در برابر سلفی‌گری تکفیری مطرح می‌شود. سلفی‌گری تبلیغی نوعی از سلفی‌گری است که محور فعالیت‌های خود را تبلیغ اندیشه‌ها و مبانی سلفیت قرار می‌دهد. در ماهیت این نوع از سلفی‌گری نیز تکفیر مخالفان دیده می‌شود؛ اما در ظاهر نسبت به جهاد و مبارزه با مسلمانان کمتر تأکید دارد. سلفی‌گری تبلیغی می‌کوشد تا گفتمان سلفی‌گری را جهانی سازد. چندین هزار سایت اینترنتی و شبکه ماهواره‌ای، مسئولیت تبلیغ دیدگاه‌های سلفی‌گری را به عهده دارند [۵] به عنوان مثال، اهل حدیث و اهل قرآن پاکستان بیشتر در باب سلفی‌گری تبلیغی فعال هستند و وهابیون در عربستان، کتاب‌های آنان را در تیراژهای انبوه چاپ می‌کنند. از دیگر گروه‌های سلفی‌گری تبلیغی، می‌توان به شبکه "جماعت تبلیغی"، که در بیش از صد کشور جهان شعبه دارد و سالانه دو گردهمایی بزرگ را در پاکستان و بنگلادش برگزار می‌کند، اشاره کرد.

را در این مناطق ایجاد نموده‌است. اندیشه‌ی سلفی، اگرچه تاریخ طولانی‌تری در میان مسلمانان سنی مذهب دارد، اما تئوریزه کردن این تفکر و تبدیل شدن آن به عنوان جهانبینی یک گروه دینی مشخص، خاص دنیای مدرن چند دهه‌ی اخیر است؛ که حتی قدمت آن در شرق کردستان به خیلی کمتر از این هم بر می‌گردد. از این رو، این جریان در قالب یک پدیده‌ی جدید تا اندازه‌ی زیادی ناشناخته مانده است. بنابراین در این بخش از مقاله راجع به زمان و چگونگی ورود سلفی‌ها به شرق کردستان بحث خواهیم نمود.

بر طبق اطلاعات موجود، در شرق کردستان، تا اوایل دهه‌ی هشتاد تنها گروه دینی مسلحی که فعالیت داشته، گروهی به نام "حرکت توحیدی اهل سنت" بوده، که رهبری این گروه را شخصی به نام "ملا عبدالکریم توحیدی" بر عهده داشته است؛ اما به علت محدودبودن منطقه‌ی جغرافیایی فعالیت آنان و کم بودن تعداد اعضا، نتوانسته از پایگاه مردمی‌ای قوی برخوردار گردند و اکنون به صورت گروهی کمتر شناخته شده موجودیت دارند. تا اینکه سلفی‌ها وارد شرق کردستان و ایران شدند. این جریان در سطح منطقه‌ی اهل سنت نشین شرق کردستان؛ اورمیه، جنوب استان کردستان و کرمانشاه بسیار پراکنده‌اند. از آنجا که آنان به امر هجرت معتقدند، معمولاً با کوچکترین احساس ناامنی به شهری دیگر مهاجرت می‌کنند. بنابراین نمی‌توان مناطق خاصی را به طور ثابت، مرکز تجمع آنان دانست. سلفی‌ها اولین بار در دو شهر مرزی مریوان و سرپل‌ذهاب از شهرهای استان کرمانشاه، فعالیت‌های فرقه‌یی خویش را آغاز نمودند. اما اکنون در شهرهای کرمانشاه، سنندج، مهاباد، بوکان، سقز، بانه و... نیز حضورشان مشهود است. همچنین، برخی از روستاهای پاوه و اورامانات، به مرکز سلفی‌ها تبدیل شده‌اند. به لحاظ تعداد جمعیت، آرایه‌ی آماری دقیق از تعداد این گروه دینی-مذهبی در شرق کردستان، به دلیل غیرشفاف بودن فضای داده‌یی و آماری، امری غیرممکن است؛ چون سلفی‌ها علاوه بر زیرزمینی بودن اقداماتشان، دارای ساختاری بسیار غیرمتمرکز و پراکنده در سطح جهان و به خصوص در شرق کردستان و ایران می‌باشند. بر این اساس، سوالات این پژوهش را می‌توان به شرح زیر مطرح نمود:

- نقش زمینه‌های فراملی در شکل‌گیری و گسترش جریان فکری اخلاقی سلفی-تکفیری در مناطق کردنشین چیست؟
- شناسایی زمینه‌های ملی در شکل‌گیری و گسترش جریان‌های فکری اخلاقی سلفی-تکفیری در مناطق کردنشین به چه صورت است؟

- زمینه‌های فردی در شکل‌گیری و گسترش جریان‌های فکری اخلاقی سلفی-تکفیری در مناطق کردنشین چیست؟
مفاهیم پژوهش

الف) کردهای ایران

مردم کرد در سراسر ایران پخش هستند. بخش‌های کردنشین ایران شامل بخش‌هایی از استانهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خراسان شمالی است و همچنین در مناطقی از استان‌های گیلان در چمخاله و لنگرود و استان‌های قزوین و مازندران و یزد (مهردشت) نیز جمعیت‌های

د) اخلاق سلفی‌گری سیاسی

تعریف سلفی‌گری سیاسی نسبت به انواع دیگر سلفی‌گری با دشواری‌های بیشتری همراه است؛ زیرا از یک سو بسیاری از جریان‌های سلفی‌گری، هدف‌های سیاسی را در کنار هدف‌های اعتقادی دنبال می‌کنند و از سوی دیگر، غربی‌ها به تمام حرکت‌های اسلامی که قائل به ارتباط دین با سیاست باشند، عنوان سلفی‌گری و بنیادگرایی می‌دهند. در تعریف سلفی‌گری سیاسی می‌توان گفت که نوعی از سلفی‌گری است که با وجود داشتن هدف‌های اعتقادی، بیشتر در پی هدف‌های سیاسی و به دست آوردن قدرت سیاسی است. به‌طور کلی، جریان‌های سلفی را به دو گروه عمده می‌توان تقسیم کرد: گروه‌هایی که از راه فعالیت‌های سیاسی، بیشتر در پی هدف‌های اعتقادی هستند؛ مانند طالبان و جمعیت العلمای اسلام و شاخه فضل الرحمن. گروه‌های دیگر کسانی هستند که با بهره‌برداری از مبانی اعتقادی، به دنبال هدف‌های سیاسی هستند، مانند جریان نوگرایی وهابیت و شاخه‌هایی از جریان‌های محلی وابسته به القاعده مانند سازمان قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین در عراق و گروه معدوم جندالله در ایران.

سلفیت بر مبنای اندیشه و تفکرات اخلاقی افرادی مانند احمدبن حنبل، احمدبن تیمیه، ابن القیم الجوزی و محمدبن عبدالوهاب بنیان‌گذاری شده است. بعدها جریان جدیدی توسط جانشینان شاه ولی‌الله دهلوی، مانند پسر شاه عبدالعزیز دهلوی و تربیت‌شدگان این مکتب، مانند شیخ‌قاسم نانوتوی بنیانگذار «دارالعلوم دیوبند»، شکل گرفت که به تدریج رویکرد سلفی افراطی را در پیش گرفته و به سمت گسترده کردن دامنه کفر، و تأکید بر اندیشه جهاد و... سوق داده شد.

گسترش فعالیت گروه‌های سلفی- تکفیری در دهه‌های اخیر بی‌گمان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های سیاسی اجتماعی خاورمیانه بوده است که به ویژه پس از حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان شاهد ظهور و گسترش آنها در کشورهای منطقه بوده ایم که به تدریج، دیگر نقاط جهان نیز تحت تأثیر این جریان‌ها قرار گرفت. باید توجه نمود در حالی که منشأ اکثر گروه‌های نوظهور سلفی در اندیشه تاریخی سلفی- تکفیری است و هدف آنان ایجاد یک جامعه اسلامی دارای قوانین متکی بر شرع و تحت رهبری یک حرکت اسلام‌گرای سلفی است، اما شیوه عمل و کاربرد خشونت و شیوه‌های دستیابی به هدف و ساختار حکومت مورد نظر آنها متفاوت می‌باشد.

ه) اخلاق سلفیسم جهادی

سلفی‌های جهادی به نسبت سلفی‌های غیرجهادی از ساختار و سازماندهی پیچیده‌تری برخوردارند. غیرجهادی‌ها، تمام فعالیت‌های‌شان حول محور اعتقادی می‌باشد. آنان مردم را به اعتقادات خود فرا می‌خوانند و برای این کار لزومی به جهاد نمی‌بینند و از طرفی دیگر، برای کسب قدرت در قالب یک حزب تلاش نمی‌کنند. آنان بیشتر از طریق تشکیل کلاس‌های دینی در مساجد، با همفکران خود ارتباط برقرار می‌کنند و برنامه مبارزاتی مشخصی برای اهداف خود ندارند. اما سلفی‌های جهادی با القاعده در ارتباط بوده و شعبه‌یی از انصارالسنه جنوب کردستان می‌باشند. هر چند غیر

جهادی‌ها بر عدم لزوم جهاد و سازماندهی تأکید می‌کنند، با این وجود، این مساله یک تفاوت ریشه‌یی مابین آنان و جهادی‌ها محسوب نمی‌شود.

لازم به ذکر است که یکی از بارزترین ویژگی‌های ایدئولوژیک جریان سلفی جهادی، انکار هر نوع هویت قومی- ملی است. جریان سلفی جهادی با اتکای نابجا به اندیشه‌ی امت در جهان اسلام، به نوعی مفهوم امت را بازتعریف و بازسازی کرده و طبق اهداف سیاسی خود، شکل جدیدی به آن بخشیده است. از نظر آنها، امت به معنای راستین آن، همزمان با تأکید بر اتحاد و همبستگی مسلمین زیر یک چتری سیاسی- فرهنگی واحد، هیچ مشکل خاصی با هیچ یک از ملت‌ها و فرهنگ‌ها و در مجموع با تفاوت‌مندی‌های ملی- فرهنگی حوزه‌ی پراکنش خود نداشته است. با این وجود، اصطلاحات و مفاهیمی نظیر کرد و کردستان در اندیشه‌ی سلفی جهادی دارای هیچ جایگاه و پایگاهی نبوده و حتی جاری‌ساختن آن بر زبان، از نظر آنها کفر محسوب می‌شود.

سلفی‌گری جهادی در فعالیت‌های خود، به تعریف رایج میان علمای اسلام که جهان را به دو بخش اسلام و کفر تقسیم می‌کنند، توجهی ندارد؛ بلکه با توسعه در مفهوم شرک و کفر، گروه بزرگی از مسلمانان را نیز از دایره اسلام خارج می‌کند. از سوی دیگر، روش و عملیات‌های خشونت‌آمیز را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار می‌دهد و به همین دلیل است که در برخی از کشورهای اسلامی که سلفیان جهادی حضور دارند، آن‌ها بیشتر دشمنان خود را مسلمانان تعریف کرده‌اند.

سلفیان جهادی چندان اهل مطالعه نیستند و همان‌گونه که از نام آن‌ها پیداست، اصالت را به اسلحه، جهاد و مبارزه می‌دهند. یکی از نظریه‌پردازان مهم این جریان، عبدالسلام فرج بود که در ماجرای ترور سادات، دستگیر و اعدام شد. او کتابی با نام "الجهاد: فریضه الغائبه" دارد که در آن معتقد است که راه نجات کشورهای اسلامی، جهاد مسلحانه علیه حکومت‌هایشان است. البته میان سلفی‌گری تکفیری و سلفی‌گری جهادی، شباهت‌هایی وجود دارد و سلفی‌گری جهادی در خدمت سلفی‌گری تکفیری قرار گرفته است [۷].

با توجه به اینکه مباحث این پژوهش عمدتاً در مورد جریان سلفی جهادی است، لذا چهار ویژگی مهم جنبش‌های سلفی جهادی را نیز به شرح زیر مورد اشاره قرار می‌دهیم:

اولاً، تفکر سلفی جهادی یک ایدئولوژی است که با نظم بین‌المللی غالب کنونی هم در ایدئولوژی رادیکال خود و هم با اقدامات خشونت‌آمیز مخالف است. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک سوسیالیستی و پایان مارکسیسم-لنینیسم، به عنوان ایدئولوژی مبارزه مسلحانه، تفکر سلفی جهادی جای خالی آن را گرفت. در پاسخ به سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود که چرا اسلام‌گرایی سلفی جهادی موفق شد جایگزین ایدئولوژی‌های چپ‌گرای رادیکال شود، باید گفت که به عنوان یک ایدئولوژی در عرضه مبارزات مسلحانه، جنبش سلفی جهادی مزیت‌های بزرگی را در سمت تقاضا دریافت می‌کند و همه آن گروه‌ها یا افرادی را که به سمت مواضع مبارزه مسلحانه جذب می‌شوند، وارد مدار سلفی جهادی می‌نماید. به عبارت دیگر، لازم است توضیح داده شود که

بود؛ و نیز مناطقی از لیبی بود که زمانی پایگاه قدرت سرهنگ قذافی بود. جنبش سلفی جهادی نه تنها در تقابل شدید با نظم دولت‌های ملی جهان است، بلکه حتی از شکستهای خود و بقایای اجساد مرده دولتهای شکست خورده نیز تغذیه میکند.

رابعا، علیرغم تضاد رادیکال خود با دولتها، جنبش سلفی جهادی موفق به دریافت حمایت از میزبانان خود نیز شده است. افغانهای عرب تبار از حمایت سخاوتمندانه سرویسهای مخفی پاکستان، عربستان سعودی، مصر و ایالات متحده برخوردار شدند. این کشورها از نسل اول جهادی‌ها به دلایل مختلف حمایت کرده، آنها را تأمین نموده و هزینه‌های آنها را پرداخت کردند. ایده ایالات متحده این بود که از شوروی انتقام بگیرد و افغانستان را برای آنها ویتنام‌کنند؛ برای پاکستان، کنترل کارت افغان برای مبارزه با خطرگسترش بیشتر شوروی بود؛ هدف سعودیها، انتقال خطر سلفیهای افراطی به خارج از کشور بود؛ به ویژه پس از حادثه دردناک جنبش جهیمان العتیبی که مسجد الحرام را در مکه اشغال کردند و پایه‌های سلطنت عربستان را متزلزل نمودند. همچنین، سلول‌های اولیه گروه التوحید والجهاد به رهبری زرقاوی، درجنگ علیه نیروهای اشغالگر ایالات متحده در عراق، توسط تعدادی از دولتها حمایت شدند؛ از جمله سوریه که عبور جهادیها به عراق را تسهیل کرد و همچنین ایران و عربستان سعودی، که هر دو از پروژه‌های آرام ایالات متحده برای تغییر رژیم و آوردن دموکراسی به خاورمیانه بودند. اخیراً تعدادی از گروه‌های جهادی از جمله احرار الشام، النصره و داعش از طرف ترکیه نیز مورد حمایت قرار گرفته‌اند. آنکارا امیدوار بود که بتواند از این گروه‌های جهادی برای پیشبرد نفوذ خود در عمق سوریه استفاده کند؛ چون در استفاده از آنها برای مبارزه علیه تشکیلات مسلح کرد شکست خورده بود [۱۱]

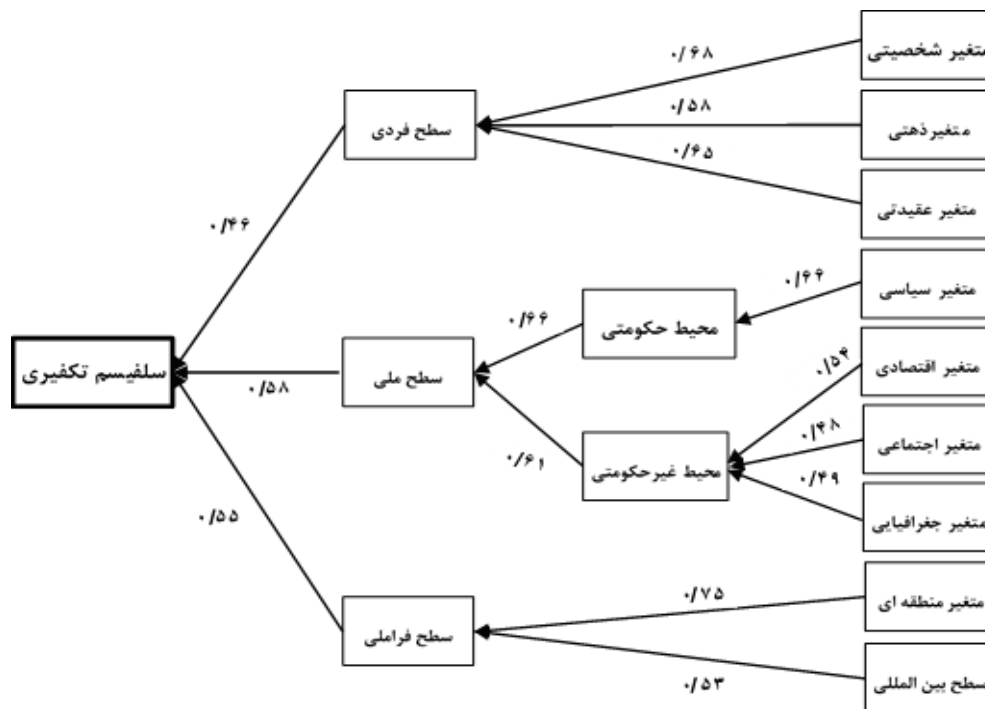
تحلیل داده‌ها

تحلیل مسیر یک روش پیشرفته آماری است، که به کمک آن می‌توانیم علاوه بر تأثیرات مستقیم، تأثیرات غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را نیز شناسایی کنیم. این نوع تحلیل به ما کمک می‌کند میزان مناسب بودن مدل را ارزیابی کرده و مقدار اثر هر متغیر را تعیین کنیم. بر این اساس نمودار زیر اثرات مستقیم متغیرهای اصلی تحقیق یعنی میزان اثر هر یک از متغیرهای سطوح فردی، ملی و فراملی بر سلفیسم تکفیری و همچنین همزمانی و هم‌افزایی آنها را به صورت دقیق و مشخص نشان می‌دهد:

چرا علیرغم ریختن هزاران تن بمب بر سر آنها و علیرغم این واقعیت که ناظران اصلی اسلامگرایی رادیکال، افول و محو شدن این جنبش را پیشبینی می‌کردند، جنبش سلفی جهادی به طور مداوم رشد و توسعه یافته است [۹]

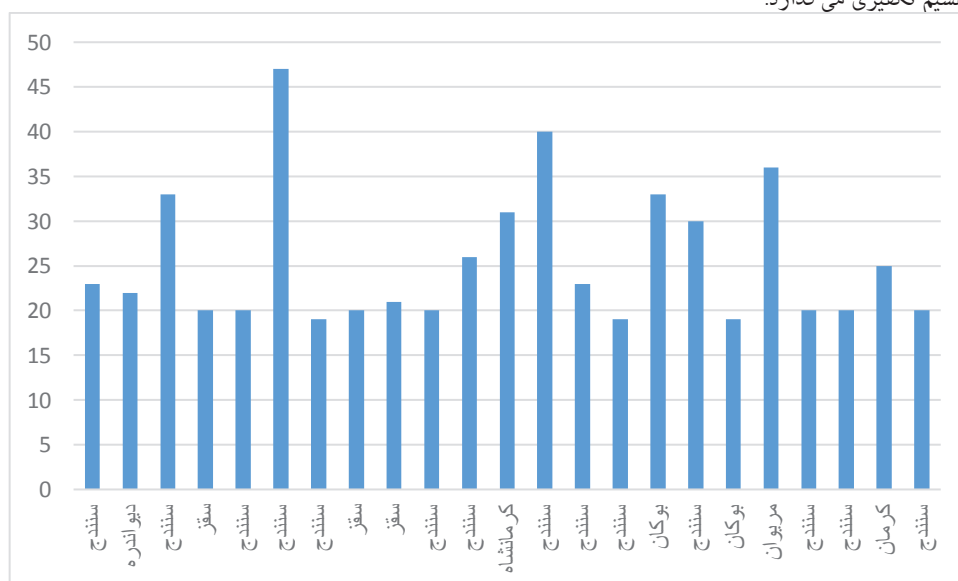
ثانیا، ساختار سازمانی جنبش سلفی جهادی به طور مداوم به این گروه فشار می‌آورد که به سمت بنیادگرایی افراطی حرکت کند. از آغاز فعالیت خود در دهه ۱۹۸۰ در مناطق کوهستانی افغانستان و پاکستان، این جنبش فاقد ساختار بوده ولی رهبری و اهداف آن به وضوح تعریف شده است. در ابتدا، این جنبش به صورت یک شبکه ضعیف و نامنسجم مطرح بود که حول رهبران کاریزماتیک آن ایجاد شده بود و برای جذب مردم عادی معتقد به ایدئولوژی سلفی جهادی، داوطلبان و کمکهای مالی رقابت میکرد. این شرایط ساختاری در عین حال قدرت جنبش هم هست؛ یعنی جنبش نباید توسط عملیات ترور رهبرانش از بین برود. این واقعیت که سلفی جهادی چه در مرحله مقاومت خود در افغانستان، چه تحت عنوان القاعده یا داعش، تا حد زیادی به عنوان یک شبکه باقی مانده است تا اینکه یک سازمان متمرکز باشد. این ویژگی، از یک سو از بین بردن آن را با بازکردن یک گره از شبکه مشکل میکند، چون خلأ گره باز شده را میتوان در زمان نسبت کوتاهی توسط شبکه دیگری که در اطراف یک رهبر کاریزماتیک دیگر ایجاد شده است، پر کرد. از سوی دیگر، اما این مسأله ضعف این جنبش نیز هست؛ بدین معنی که رقابت دائمی بین رهبران مؤسس و رقبا، بی ثباتی داخلی ایجاد میکند و کل جنبش را چه در ایدئولوژی و چه در اقدامات خشونت آمیز به سمت رادیکالیسم و افراطی‌گری سوق میدهد. این مسأله به طور دائمی این جنبش را به سمت یک ایدئولوژی متعصب توأم با تمایل دائم به اقدامات خشونت آمیز سوق میدهد. این جنبش اندیشه سیاسی را از اقدامات نظامی خود جدا کرده است و خشونت را تنها فرهنگ مبارزه خود تلقی میکند.

ثالثا، جنبش سلفی جهادی فضاهایی را پر میکند که توسط دولتهای شکست خورده خالی شده است. آنها چنین فضاهایی را اشغال نموده و آنها را به پایگاههای لجستیکی و "مراکز رشد اجتماعی" خود تبدیل میکنند تا به عنوان دو ناظر عمل نمایند [۱۰]. این فضاها برای عربهای افغان تبار، منطقه مرزی پاکستان با میلیونها پناهنده افغان بود؛ و برای القاعده، افغانستان و بعداً مناطق مرزی افغانستان و پاکستان بود که بعدها به بخشهایی از شرق یمن گسترش یافت. برای داعش، چنین فضایی عراق بود که دولت آن با حمله خارجی ویران شده بود؛ و همچنین، سوریه بود که دولت آن در اثر قیام بهار عربی و تبدیل آن به جنگ بشدت ضعیف شده



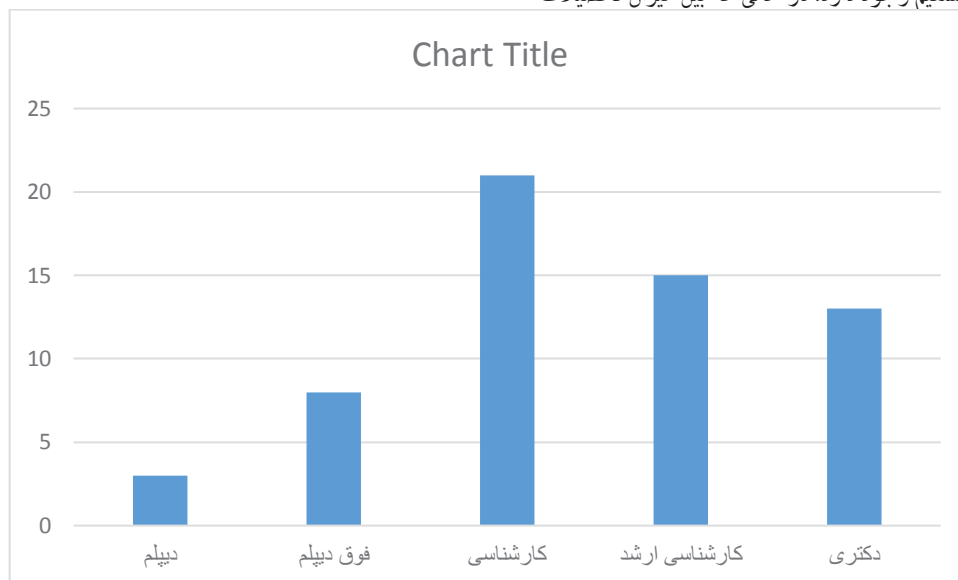
در این قسمت، نتایج تحقیق در چهار بخش توصیف و تحلیل یافته‌های به دست آمده از تحقیق ارائه می‌گردد. در بخش یافته‌های توصیفی مشخص گردید که ۷۹/۲ درصد از پاسخگویان، گویه‌های متغیر شخصیتی، ۷۳/۴ درصد متغیر ذهنی و ۴۱/۴ درصد گویه‌های متغیر اعتقادی را مورد تأیید و همراهی قرار داده‌اند. همچنین ۶۵ درصد پاسخگویان مخالفت خود را با گویه‌های متغیر سیاسی ابراز کرده‌اند و گویه‌های متغیر اقتصادی نیز با مخالفت پاسخگویان مواجه شدند، در حالی که ۷۰/۳ درصد پاسخگویان موافقت خود را با گویه‌های متغیر اجتماعی و ۷۴/۵ درصد با گویه‌های متغیر جغرافیایی ابراز کرده‌اند. گویه‌های متغیر منطقه‌ای با ۶۱/۲ درصد در بین پاسخگویان مورد مخالفت قرار گرفته‌اند، در حالی که گویه‌های سطح بین‌المللی با ۷۵/۸ درصد مورد موافقت بوده‌اند.

با توجه به نمودار فوق در زمینه آثار مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (گرایش به سلفیسم تکفیری) مشخص می‌شود که هر چند متغیرهای سطح ملی با ۰/۵۸ پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای متغیر وابسته نسبت به متغیرهای سطوح فردی (۰/۴۶) و فراملی (۰/۵۵) می‌باشند، اما به هر حال هم‌زمانی و تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر در مجموع باعث افزایش گرایش به سلفیسم تکفیری شده است. همچنین در زمینه آثار مستقیم ابعاد متغیرهای مستقل بر گرایش به سلفیسم تکفیری می‌توان گفت در میان متغیرهای سطح فردی، متغیر شخصیتی با ۰/۶۸ بیشترین تأثیر را بر گرایش به سلفیسم تکفیری می‌گذارد. در بین متغیرهای سطح ملی متغیر سیاسی با ۰/۶۶ بیشترین تأثیر را بر گرایش به سلفیسم تکفیری می‌گذارد و در نهایت در بین متغیرهای سطح فراملی نیز متغیر منطقه‌ای با ۰/۷۵ بیشترین تأثیر را بر گرایش به سلفیسم تکفیری می‌گذارد.



و گرایش به سلفیسم تکفیری ارتباط معناداری وجود ندارد. در بین متغیرهای مستقل با میزان گرایش به سلفیسم تکفیری نیز رابطه مستقیم وجود دارد، اما از بین آنها، ابتدا متغیرهای سطح ملی و سپس سطوح فراملی و فردی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر میزان گرایش به سلفیسم تکفیری دارند.

داده‌های تحقیق نشان می‌دهند که در میزان گرایش به سلفیسم تکفیری در بین شهرهای مرزی استان کردستان تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین از میان متغیرهای زمینه‌ای، بین متغیر قیمت منزل مسکونی و متغیر میزان مطالعه با میزان گرایش به سلفیسم تکفیری رابطه معکوس و بین متغیر سن و میزان گرایش به سلفیسم تکفیری رابطه مستقیم وجود دارد، در حالی که بین میزان تحصیلات



منطقه فقر مزمن وجود دارد و وضعیت معیشتی به حدی است که گاهی یک تکه نان جای یک وعده غذایی را پر می‌کند. داده‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش نشان می‌دهد که ۷۹/۲ درصد از پاسخگویان، گویه‌های متغیر شخصیتی را مورد تأیید قرار می‌دهند. این میزان تأیید گویه‌های متغیر شخصیتی نشان می‌دهد که پتانسیل خصومت و ستیز در این منطقه بسیار بالاست و در بین شاخص‌های شخصیتی، کینه‌توزی در رأس همه آنها قرار دارد. همچنین بر حسب داده‌های کمی ۷۳/۴ درصد از پاسخگویان با گویه‌های متغیر ذهنی همراهی می‌کنند و این میزان همراهی نشان می‌دهد که میزان عددی شاخص‌هایی مانند تربیت (آموزش) نادرست، احساس محرومیت و تبعیض، ناامیدی، میزان آگاهی و دگماتیسم در مناطق مرزی استان کردستان بسیار بالاست و این موضوع بیشتر ناشی از ضعف سیستم آموزشی در این منطقه است که خود را در بیشترین آمار ترک تحصیل در کل کشور متجلی کرده است.

داده‌های متغیر عقیدتی حاکی از آن است که زمینه‌های خشونت، گذشته‌گرایی، قشری‌گری و دشمن‌ستیزی در این منطقه بالاست، اما تأثیر دو گویه تکفیرگرایی و دین بدون واسطه رد شد. در زمینه دین بدون واسطه باید گفت که مردم اعتقاد و تعصب شدیدی به مسائل مذهبی و دینی دارند، به نحوی که اعتقاد زیادی به بقاع متبرکه و اماکن مقدس دارند و حتی بسیاری از مناطق زیارت‌گاهی و قدمگاه-ها با اینکه سند و شجره‌نامه مشخصی ندارند، اما تعداد زیادی از مردم به این مکان‌ها می‌روند و به آنها اعتقاد شدیدی دارند. همچنین در مورد متغیرهای سیاسی نیز لازم به ذکر است که نارضایتی زیادی در مورد مسائل سیاسی در این مناطق وجود دارد و

منشأ اصلی گرایش به سلفیسم تکفیری در سطح فردی به «احساس فرد» مربوط است که در این پژوهش بر اساس سه متغیر شخصیتی، ذهنی و عقیدتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. شکل‌گیری زمینه‌های گرایش به گروه‌های سلفی- تکفیری در سطح ملی در قالب عوامل حکومتی و غیرحکومتی قابل بررسی است که منظور از عوامل حکومتی، تصمیمات و سیاست‌های رسمی است که ممکن است به صورت مستقیم یا غیرمستقیم باعث شکل‌گیری گروه‌های سلفی- تکفیری گردد. عوامل حکومتی در این پژوهش در قالب متغیر سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. عوامل غیرحکومتی نیز شامل متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی است که افراد و گروه‌ها برای حفظ حیات خود با آنها در کنش و واکنش هستند. منظور از زمینه‌های فراملی عوامل و متغیرهایی است که فراتر از مرزهای ملی بر میزان گرایش به سلفیسم تکفیری مؤثر هستند. در این پژوهش عوامل و زمینه‌های مذکور در قالب دو متغیر منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

توزیع پاسخگویان بر حسب مذهب ۹۰/۱ درصد را اهل تسنن و ۹/۹ درصد شیعیان را شامل می‌شود. تعداد ۴۶/۱ درصد را زنان و تعداد ۵۳/۹ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. میانگین سنی ۳۱/۴ سال بوده است. همچنین ۴۶/۶ درصد از پاسخگویان مجرد و ۵۳/۴ درصد متأهل بودند. میزان مطالعه در هفته، بسیار پایین بود. بخش مسکن با وجود تغییرات زیادی که در سال‌های اخیر به خود دیده است، همچنان در شرایط نامناسبی قرار دارد. در مورد اشتغال نیز وضعیت نابرابری به وضوح قابل مشاهده است و میزان بیکاری فصلی در این منطقه بسیار بالاست. میزان هزینه‌های خانوار در هر ماه بسیار پایین است که نشان می‌دهد قدرت خرید مردم بسیار پایین است و در این

داده‌های پژوهش حاکی از آن است که این فرضیه تأیید می‌گردد که نه تنها هر یک از عوامل و زمینه‌های فردی، ملی و فراملی به صورت مستقل در گرایش به سلفیسم تکفیری بین ساکنین این منطقه مؤثر بوده‌اند، بلکه همزمانی بروز و ظهور این عوامل و زمینه‌ها و تأثیر متقابل آنها بر تقویت همدیگر باعث افزایش گرایش ساکنین مناطق مرزی استان کردستان به گروه‌های سلفی-تکفیری شده است. نتایج تحلیل رگرسیونی مدل تبیین کننده میزان گرایش به سلفیسم تکفیری نشان می‌دهد که در بین سطوح سه گانه (فردی، ملی و فراملی)، ابتدا عوامل و زمینه‌های سطح ملی و سپس سطح فراملی و فردی بیشترین تأثیر را بر گرایش به گروه‌های سلفی-تکفیری داشته‌اند و در بین متغیرهای زمینه‌ای نیز، متغیر سن با میزان گرایش به سلفیسم تکفیری رابطه مستقیم دارد.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش شناسایی میدانی زمینه‌های گرایش به رویکردهای فکری اخلاقی گروه‌های سلفی-تکفیری در استان کردستان جهت برخورد مناسب با این پدیده اخلاقی است. در اینجا منظور از زمینه‌های گرایش به اخلاق سلفیسم تکفیری به معنای وجود گروه‌های اخلاقی سلفی-تکفیری در استان کردستان نیست و همچنین به این معنا نیست که مردم این مناطق به سمت گروه‌های سلفی-تکفیری گرایش پیدا کرده‌اند یا گروه‌های سلفی-تکفیری در این منطقه فعال هستند این پژوهش فقط جهت کشف و شناسایی زمینه‌های شکل‌گیری این گروه‌ها در منطقه استان کردستان می‌باشد. برای دستیابی به این هدف بر اساس چارچوب نظری پژوهش، تأثیر عوامل و زمینه‌های اخلاقی، شخصیتی، ذهنی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر گرایش به رویکرد فکری اخلاقی گروه‌های سلفی-تکفیری در سه سطح فردی، ملی و فراملی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج و یافته‌های ما حاکی از آن است که نه تنها هر یک از عوامل و زمینه‌های فردی، ملی و فراملی به صورت مستقل در گرایش به سلفیسم تکفیری بین ساکنین این منطقه مؤثر بوده‌اند، بلکه همزمانی بروز و ظهور این عوامل و زمینه‌ها و تأثیر متقابل آنها بر تقویت همدیگر باعث افزایش گرایش ساکنین مناطق مرزی استان کردستان به گروه‌های اخلاقی سلفی-تکفیری شده است. نتایج تحلیل رگرسیونی مدل تبیین کننده میزان گرایش به سلفیسم تکفیری نشان می‌دهد که در بین سطوح سه گانه (فردی، ملی و فراملی)، ابتدا عوامل و زمینه‌های سطح ملی و سپس سطح فراملی و فردی بیشترین تأثیر را بر گرایش به گروه‌های سلفی-تکفیری داشته‌اند و در بین متغیرهای زمینه‌ای نیز متغیر سن با میزان گرایش به سلفیسم تکفیری رابطه مستقیم دارد.

References

1. Arce, D.G, Sandler, T (2003), An Evolutionary Game Approach to Fundamentalism and Conflict, Journal of Institutional and Theoretical Economics, No. 159: pp 132- 154.

مردم عموماً از اوضاع سیاسی موجود رضایت ندارند. به طور مشخص ۶۵ درصد پاسخگویان ناراضی خود را ابراز کرده‌اند که این نشان می‌دهد ناراضی نسبت به وضع سیاسی موجود بسیار بالاست. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ماهیت نظام سیاسی، میزان نفوذ اجتماعی دولت در بین مردم، رعایت حقوق سیاسی، آزادی رسانه‌ها، برابری قومی- مذهبی و احساس امنیت، جایگاه و شرایط و خیمی از دید مردم دارد، اما با وجود این، مردم منطقه هنوز کاملاً دچار سرخوردگی سیاسی نشده‌اند و با اصلاح رویه‌های موجود شاید بتوان میزان رضایتمندی آنها را افزایش داد.

البته بر اساس داده‌های کیفی (مصاحبه)، افراد در استان کردستان بیشتر از حد متوسط به نظام جمهوری اسلامی پایبند هستند و این موضوع را با مشارکت در انتخابات نیز نشان داده‌اند؛ چنانکه میزان مشارکت آنها در انتخابات‌های مختلف همیشه بالاتر از میانگین کشوری بوده است.

گویه‌های متغیر اجتماعی با میانگین ۳/۷۸ از ۵ و ۷۰/۳ درصد مورد موافقت پاسخ‌گویان قرار گرفته‌اند. در این بین به ترتیب گویه‌های محرومیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، بیکاری، تعصبات اجتماعی، خشونت ساختاری، تضادهای اجتماعی و بحران هویت از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی استان کردستان هستند.

گویه‌های متغیر اقتصادی نیز با مخالفت پاسخگویان مواجه شدند. به این معنی که سه گویه نابرابری، سطح توسعه و رشد اقتصادی به ترتیب با میانگین ۴/۱۴، ۴/۳۹ و ۴/۱۹ از وضعیت رضایت بخشی از منظر پاسخ‌گویان برخوردار نبوده‌اند و این گویای امکانات پایین و ناچیز بودن سطح توسعه در این منطقه است.

گویه‌های متغیر جغرافیایی با ۷۴/۵ درصد مورد موافقت قرار گرفته‌اند. بر این اساس گویه‌های دوری از مرکز استان، نزدیکی به محل بحران، عصبیت‌های قومی و فرقه‌ای، تأثیر جهانی‌شدن و گسترش ارتباطات از منظر پاسخگویان از مهم‌ترین چالش‌ها و آسیب‌ها هستند.

گویه‌های متغیر منطقه‌ای با ۶۱/۲ درصد در بین پاسخگویان مورد مخالفت قرار گرفته‌اند. بر این اساس ضعف قدرت دولت، خلأ امنیتی در خاورمیانه، شکاف‌های هویتی، تعارضات سیاسی و سطح توسعه در منطقه خاورمیانه از زمینه‌های اساسی گرایش به سلفیسم تکفیری هستند، در حالی که گویه‌های مربوط به ذخایر و منابع و قطب‌بندی منطقه‌ای به ترتیب با ۲/۵۴ و ۲/۹۶ کمتر از حد متوسط بوده‌اند که نشان می‌دهد از منظر پاسخگویان وضعیت این شاخص‌ها مناسب است یا ارتباطی با گرایش به سلفیسم تکفیری ندارد.

میزان موافقت با گویه‌های سطح بین‌المللی در بین پاسخگویان برابر با ۷۵/۸ درصد بوده است و میانگین پاسخ‌ها به شاخص‌های رقابت تسلیحاتی، نفوذ اقتصادی، ساختار قدرت بین‌المللی، حضور در نقاط راهبردی و امنیت هم‌پیمانان نشان می‌دهد وضعیت بین‌المللی از منظر پاسخگویان در شرایط مناسبی قرار ندارد و می‌تواند زمینه‌ساز گرایش به سلفیسم تکفیری باشد.

طبق این داده‌ها، می‌توان به این نتیجه رسید که همزمانی و هم‌افزایی تأثیر عوامل و زمینه‌های فردی، ملی و فراملی باعث افزایش گرایش به سلفیسم تکفیری در کردستان شده است. نتایج حاصل از تحلیل

2. Barakat, Bilal and Urdal, Henrik (2009), *Breaking the Waves? Does Education Mediate the Relationship Between Youth Bulges and Political Violence?* The World Bank, Policy Research Working Paper, No. 5114.
3. Bergesen, Albert. J. and Lizardo, Omar (2004), *International Terrorism and the World-System*, American Sociological Association, New York.
4. Campos, Nauro F and Martin Gassebner (2009), *International Terrorism, Political Instability and the Escalation Effect*. KOF Working Paper No. 220. Available at: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1351984>.
5. Çınar, Bekir (2009), *The Root Causes of Terrorism*, ME TU Studies in Development, PP 93- 119.
6. Corbin, Isaiah (2010), *An Empirical Analysis of Terrorism in the Middle East and Africa*. Available at: www.Yump.com.
7. Esposito, John. L (2015), *Islam and Political Violence*, Religions, 6, 1067-1081; DOI: 10.3390/rel6031067.
8. Frings, Manfred (2005), *Max Scheler and the Psychology of the Terrorist*, Available at: www.Isistatic.org/journal-Archive.
9. Gambhir, Herleen K. (2014), *Dabiq: The Strategic Message of the Islamic State*, ISW (Institute of war).
10. Gurr, T. (1970), *Why Men Rebel*, Princeton: Princeton University Press.
11. Hassan Bell, Abdul Majid (2013), *Causes and Dynamic of Political Violence in Nigeria: Islamic Views on the Solutions*, International Journal of Humanities and Social Science Invention, Vol 2, Issue 3, PP.28-34.
12. Hegghammer, Thomas (2010), *Jihad in Saudi Arabia*, New York: Cambridge University Press.